



چکیده مطالب جلسه ۳۳ درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله علیه
سال تحصیل ۹۸-۹۹

نقد پنجم در رابطه بین دموکراسی و عدالت است.

آیا در سایه دموکراسی، عدالت تأمین می شود یا خیر؟ و آیا در نظام دموکراسی می توان به عدالت دست یافت؟

ابتدا باید تعریف «عدالت» را روشن کنیم:

«عدالت» گاهی به مساوات و برابری تعریف شده؛ اما این تعریف قطعاً تعریف درستی نیست؛ زیرا مردم در استحقاقاتی که دارند متفاوت اند؛ یکی پیراست و دیگری کودک، یکی مرد و دیگری زن، یکی استعداد بالایی دارد و دیگری استعداد ندارد، یکی کار می کند و دیگری بیکار است. و اگر قرار باشد برای همه اینها سهم برابری داده شود؛ می شود اعطای سهام برابر، به استحقاق های نابرابر و این عین بی عدالتی است؛ یکی خردسال است و نیازش کمتر است دیگری بزرگسال است و نیازش بیشتر است، یکی تهی دست و نیاز به کمک بیشتری دارد و دیگری سرمایه دار است و نیاز به کمک ندارد. و این بدیهی است که هم نیازها در افراد گوناگون، متفاوت است و هم در استحقاق ها تفاوت وجود دارد. برخورد برابر با نیازها و استحقاق های نابرابر، قطعاً بی عدالتی است و اساساً ظلم و ستم ها از همین جا پدید می آید که به کسی که نیاز دارد یا ندهند، یا به به اندازه همانی باشد که به کسی که نیاز ندارد می دهند. و یا به شخصی که استحقاق دارد، همان اندازه بدهند که شخصی که استحقاق ندارد می دهند. اینها عین ظلم است و وجدان بشری اینها را ظلم تلقی می کند. لذا نمی توان عدالت را به مساوات و برابری تعریف کرد.

تعریف دیگری که برای «عدالت» گفته شده، این است که «عدالت» یعنی به اندازه به هر شخص دادن و به تعبیر دیگر حق را به حق دار رساندن؛ لکن این تعریف دوری است و

استحقاق همان «عدالت» است و این که به هر شخص به اندازه حقش بدهند، یعنی به اندازه‌ای که عدالت اقتضا می‌کند به او بدهند و این تعریف دوری است. «حق» همان «عدل» است منتهی حق در سطح عقل نظری به کار می‌رود و در تفکر است و «عدل» در حوزه عقل عملی و افعال است؛ لذا «حق» و «عدل» دوروی یک سکه‌اند.

تعریف دقیق از «عدالت» همان است که امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه فرمودند: «عدل» یعنی هر چیزی در جای خود گذاشته شود. این تعریف نشان می‌دهد برای آفرینش یک نظام عدلی تعریف شده است که قبل الانسانی است و در این نظام عدل برای هر چیزی جایی تعریف شده و برای هر عمل و رفتار و شئی حوزه و جایی معین شده، و آن وقت اینها باید در جای خود قرار بگیرد و این می‌شود «عدل». از «در جای خود قرار گرفتن» می‌فهمیم که جایی برای آن باید از قبل وجود داشته باشد که انسان آن را در جای خود قرار دهد. و این است معنای آنچه در آیات کریمه قرآن با تعبیر مختلف آمده است که «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ»^۱ و یا آیه کریمه «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»^۲ او وضع میزان کرده است. و آیاتی از این دست که با تعبیر مختلف زیاد است.

اینجاست که تفاوت نظام دموکراسی با نظام الهی روشن می‌شود:

ما در نظام اسلامی می‌گوییم در جهان یک نظم قبل الانسانی وجود دارد که این نظم هم در عالم تشریع است و هم عالم تکوین که آیاتی که می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا»^۳ همین است که برایتان زمین را هموار ساختیم و از نوشیدنی‌ها و خوردنی‌ها و همه آنچه مورد نیاز است فراهم کردیم و نظم حاکم کردیم در عالم تشریع هم جای افعال مشخص شده، آنوقت می‌فرماید بعد از این اصلاح، فساد نکنید.

۱. سوره انعام: ۷۳.

۲. سوره الرحمن: ۷.

۳. سوره اعراف: ۵۶.

اما در نظام دموکراسی به این دلیل که گفته می‌شود ما در جهان نابسامان وارد شده‌ایم و خود باید به این جهان سامان بدهیم و نظم را حاکم کنیم؛ هر شخصی می‌گوید: اینگونه باید سامان داد، و هر شخص معتقد است که اینگونه عمل کردن عدل است؛ لذا معیاری برای عدل نمی‌توان یافت و عدالت می‌شود همان چیزی که هر شخص یا قوم یا حزب بخواهد؛ همان نظام فرعون‌ی که در قرآن بیان شده است: ﴿قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ﴾^۱ بنابراین دستیابی به عدل در نظام دموکراسی غیر ممکن خواهد بود و هر شخص به طریق خودش می‌خواهد عدل را اجرا کند.

پایان